

# فصل اول

کلیات تحقیق

- مقدمه
- بیان موضوع تحقیق
- اهمیت موضوع تحقیق
- اهداف تحقیق و تبیین آن
- فرضیات تحقیق
- روش تحقیق
- قلمرو تحقیق
- قلمرو موضوعی تحقیق
- قلمرو مکانی تحقیق
- قلمرو زمانی تحقیق
- استفاده کنندگان تحقیق
- جامعه آماری تحقیق
- محدودیت های تحقیق
- تعریف واژگان کلیدی تحقیق
- ساختار کلی تحقیق

## مقدمه

صورت‌های مالی به عنوان وسیله ای جهت گزارشگری و ارائه نتایج نمایندگی برای مدیریت در مورد عهده دار بودن منابع شرکت می باشند . این گزارش ها جهت پشتیبانی در مورد وضعیت مالی ، عملکرد مالی و جریان وجوه نقد تهیه می گردند . مادامی که سهامداران هیچ گونه دسترسی به اسناد و مدارک حسابداری نداشته باشند جهت قضاوت و تصمیم گیری می بایست به صورت‌های مالی اتکا نمایند . به همین دلیل مدیران به گزارش اطلاعات حسابداری به طور مفید در صورت‌های مالی مبادرت می ورزند . با ظهور انواع خلاقیت و هنرورزی در حسابداری ، مدیران برای بهتر جلوه دادن گزارش های خود ، قادر به تغییر در چهره صورت‌های مالی تحت استانداردهای حسابداری گشته اند که یکی از مهم ترین و رایج ترین این پدیده ها هموارسازی سود<sup>1</sup> نام دارد . هموارسازی سود به رفتار آگاهانه ای اطلاق می شود که به منظور کاهش نوسان های دوره ای سود شکل می گیرد . بسیاری از پژوهشگران " هپ ورث"<sup>2</sup> را نخستین معرف رفتار " هموارسازی سود " می دانند . تحقیقات عمده ای که در رابطه با هموارسازی سود صورت گرفته در کشورهای پیشرفته ( توسعه یافته ) انجام شده است و در این تحقیق در ادبیات موضوع به آن اشاره خواهد شد .

---

<sup>1</sup> Income Smoothing

<sup>2</sup> Hepworth

## بیان موضوع تحقیق

موضوع اصلی این تحقیق در خصوص نقش نوسان پذیری جریان های نقدی<sup>1</sup> بر ارتباط بین پاداش نقدی اعطا شده به هیئت مدیره<sup>2</sup> و مفهوم هموارسازی سود می باشد .

به طور کلی هموارسازی سود عبارت است از اعمال نظر مدیریت شرکت در تقدم و تاخر ثبت حسابداری هزینه ها و درآمدها و یا به حساب گرفتن هزینه ها یا انتقال آنها به سال های بعد به طوری که باعث شود شرکت در طول چند سال مالی متوالی از روند سود بدون تغییرات عمده برخوردار باشد. هدف مدیریت این است که شرکت را در نظر سرمایه گذاران و بازار سرمایه با ثبات و پویا نشان دهد.

مهم ترین انگیزه ی هموارسازی سود این باور است که شرکت هایی که روند سود مناسبی دارند و سود آن ها دچار تغییرات عمده نمی شود نسبت به شرکت های مشابه ارزش بیشتری دارند. هموارسازی باعث بالا رفتن ارزش سهام شرکت در بورس و جذب سرمایه گذاران بالقوه برای آن می شود. سایر انگیزه هایی که باعث می شود مدیران در پی هموارسازی سود باشند عبارتند از:

۱- دریافت پاداش های مدیریتی بیشتر به خاطر بالا بودن ارزش سهام:

وقتی سهام شرکت در بورس نسبت به شرکت های مشابه ارزش بیشتری داشته باشد مدیران توقع دریافت پاداش بیشتری دارند.

۲- پرداخت بهره کمتر در استقراض از موسسات اعتباری و بانک ها:

هموارسازی سود شرکت را در حال رشد نشان می دهد و این خود نمایانگر ریسک کمتر در مورد این شرکت است و به آن امکان می دهد با نرخ بهره ی پایین تری از موسسات اعتباری و

<sup>1</sup> Cash Flow Volatility

<sup>2</sup> CEO Cash Compensation

بانک ها وام بگیرد و نقدینگی حاصل از بهره ی کمتر می تواند یکی از منابع مالی شرکت برای توسعه ی آن باشد.

۳- جذب سرمایه:

روند رشد شرکت در تصمیم گیری سرمایه گذاران و اعتباردهندگان موثر است زیرا آن ها معتقدند این شرکتها ریسک کمتری دارند و برای سرمایه گذاری بهترند.

### اهمیت موضوع تحقیق

شرکتهای سهامی عام در سطحی وسیع سهام خود را منتشر و به فروش می رسانند . به منظور تسهیل در امر خرید و فروش سهام و نظارت بر عملیات آنها ، سازمان بورس اوراق بهادار تهران به موازات بانکها ، بازار پول و سرمایه را کامل و به رشد اقتصادی کشور کمک می کند . تحقیق درباره هموارسازی یا عدم هموارسازی سود توسط واحدهای پذیرفته شده در بورس منجر به ایجاد اطمینان بیشتر نسبت به اطلاعات مالی ارائه شده می گردد و نهایتا سهامداران و اعتباردهندگان فعلی و اتی و دیگر استفاده کنندگان صورتهای مالی با اطمینان بیشتری می توانند تصمیم گیری نمایند .

بررسی های پیشین نشان می دهد هموارسازی یک پدیده کاملا عادی بوده که به درجات متفاوتی در نمونه های اماری تحقیقات مزبور مشاهده گردیده است . هنگامی که هموارسازی سود عمدی و ساختگی باشد ممکن است منجر به افشای نامناسب و گمراه کننده سود گردد . در نتیجه ، سرمایه گذاران نمی توانند اطلاعاتی صحیح و مناسب برای ارزیابی بازده و ریسک پرتفوی به دست آورند .

هم چنین نتایج حاصله می تواند کاربردهای مهمی داشته باشد . مثلا استفاده کنندگان می توانند از آن به عنوان اطلاعات مکمل استفاده کنند تا با احتیاطی بیشتر ، اطلاعات را تعبیر و تفسیر نمایند .

## اهداف تحقیق و تبیین آن

افزایش اطلاعات مدیران از روشها و دستورالعمل های حسابداری همگام با قدرت گرفتن بازارهای سرمایه، و همچنین انعطاف پذیری اصول پذیرفته شده حسابداری، باعث ایجاد پدیده ایی نو ظهور به عنوان هموارسازی سود شده است. هموار سازی سود رفتار آگاهانه ایی است، که به منظور کاهش نوسانات دوره ایی سود انجام می شود. از اهداف اولیه مدیریت سود حفظ اعتبار شرکت است چرا که اعتبار باعث می شود شرکت کارا و پویا به حساب آید. کسب جایگاهی مناسب در میان رقبا و بازار سرمایه باعث می شود سرمایه گذاران و اعتباردهندگان نسبت به شرکت نظر مساعدتری داشته باشند و شرکت از صرف هزینه های بیشتر در رقابت با سایر شرکتهای مشابه بی نیاز شود و با هزینه های کمتر وام و اعتبار دریافت کند. مهمترین انگیزه ی هموارسازی سود این باور است که شرکتهایی که روند سود مناسبی دارند و سود آنها دچار تغییرات عمده نمی شود نسبت به شرکتهای مشابه ارزش بیشتری دارند.

دلیل اصلی انگیزه مدیران برای هموارسازی سود را می توان در قالب تئوری نمایندگی مورد بررسی قرار داد، از آنجایی که امنیت شغلی مدیران حاصل تصویر مطلوب از عملکرد شرکت در دوره جاری و دوره های آتی می باشد، بسیاری از مدیران در صورت عدم موفقیت در عملکرد مطلوب شرکت در دوره جاری و یا پیش بینی عدم موفقیت در دوره آتی با مخاطره برکناری از کار مواجه بوده و به همین دلیل دست به هموار سازی سود می زنند. در چنین شرکت هایی هموارسازی سود به تبع افزایش امنیت شغلی افزایش خواهد یافت چون :

اول اینکه: مدیران نگران منافع پولی و غیر پولی شان هستند و برکناری از کار به معنی از دست دادن منافع حاصل از شرکت می باشد.

دوم اینکه: سهامداران شرکت منتظر مشوق های بلند مدت شرکت نخواهند ماند، بنابراین نتیجه عملکرد ضعیف دوره جاری ممکن است با برکناری مدیر همراه باشد.

و سوم اینکه: در ارزیابی مدیران سودهای جاری از سودهای حاصل شده گذشته بسیار مهمتر است. بنابراین به نظر می رسد مدیران شرکت هایی که عملکرد اجرایی ضعیف دارند و از آنها عملکرد اجرایی ضعیف یا خوب در آینده انتظار می رود، با مصلحت اندیشی درآمد شرکت را افزایش یا کاهش می دهند تا با تهدید از دست دادن کارشان مبارزه کنند.

### فرضیات تحقیق

۱- بین نوسان پذیری جریان نقدی و پاداش نقدی به اعضای هیات مدیره رابطه معنی دار مثبتی وجود دارد.

۲- بین پاداش نقدی اعطاشده به هیات مدیره و اقلام تعهدی اختیاری<sup>1</sup> رابطه معنی داری وجود ندارد.

### روش تحقیق

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر از نوع همبستگی است. روش مذکور در مورد پژوهش هایی نظیر این تحقیق که هدف آنها کشف رابطه بین متغیر های مختلف می باشد، سودمند است. تحقیق حاضر از آن دیدگاه که به مطالعه داده های مرتبط با مقطع زمانی خاص می پردازد، مقطعی است و از آن لحاظ که نتایج کسب شده در این پژوهش می تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات مالی استفاده شود، از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می شود.

### قلمرو تحقیق

محدوده و چارچوب مورد توجه در این تحقیق با لحاظ کردن علاقه مندی محقق و نیز محدودیت ها و امکانات لازم و نیز احتساب سقف زمانی موجود به صورت زیر و در سه بعد تعیین می شود:

<sup>1</sup> discretionary accruals

### قلمرو موضوعی تحقیق

قلمرو موضوعی در این تحقیق گزارشگری مالی می باشد .

### قلمرو مکانی تحقیق

تمرکز مکانی این تحقیق به بورس اوراق بهادار تهران محدود می شود .

### قلمرو زمانی تحقیق

محدوده زمانی تحقیق شامل سال های ۸۰ تا ۸۷ می باشد .

### استفاده کنندگان تحقیق

۱) سازمان بورس اوراق بهادار

۲) محققان و دانشگاہیان

۳) مدیران مالی شرکتها

### جامعه آماری تحقیق

شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده اند و نمونه آماری از میان این شرکتها استخراج خواهد شد .

### محدودیت های تحقیق

۱- محدودیت دسترسی مستقیم به اطلاعات مالی شرکتها و عدم یکنواختی در تهیه صورتهای مالی توسط شرکتهای مختلف موجب گردید تا از شرکتهای پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردد . مزیت استفاده از این گونه شرکتها امکان دستیابی بهتر به اطلاعات مالی و یکنواختی در طبقه بندی صورتهای مالی و ارائه سایر اطلاعات مالی بوده است . به



همین دلیل استفاده از شرکتهای پذیرفته شده در بورس ، محدودیت های دیگری را ایجاد کرده است که در ذیل به آنها پرداخته شده است .

۲- محدودیت دیگر فقدان اطلاعات طبقه بندی منسجم در سازمان بورس اوراق بهادار بوده است . برای جمع آوری این اطلاعات از گزارشهای حسابرسی تک تک بسیاری از شرکتهای استفاده شد که به علت پراکنده بودن ، وقت زیادی صرف این مساله شد . در نتیجه به علت ناقص بودن اطلاعات موجود در بورس ، تعداد قابل توجهی از شرکتهای از قلم افتادند .

۳- به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت شرکتهای سرمایه گذاری ، اینگونه شرکتهای از جامعه مورد مطالعه حذف گردیدند .

### تعریف واژگان کلیدی تحقیق

**جریان های نقدی حاصل از عملیات<sup>1</sup>** : جریانات نقدی ورودی و خروجی حاصل از فعالیت های عملیاتی و نیز آن دسته از جریانات نقدی است که ماهیتا به طور مستقیم قابل ارتباط با سایر طبقات جریانات نقدی صورت جریان وجوه نقد نباشد .

**تعهدات اختیاری** : تعهداتی که مدیر به وسیله آنها برخی کنترل ها را اعمال می کند . کل تعهدات ، تفاوت بین سود عملیاتی و جریانات نقدی حاصل از عملیات است . از مدل تعدیل شده جونز<sup>1</sup> (۱۹۹۱) برای برآورد تعهدات اختیاری استفاده می کنیم .

**هموارسازی سود** : عبارت است از اعمال نظر مدیریت شرکت در تقدم و تاخر ثبت حسابداری هزینه ها و درآمدها و یا به حساب گرفتن هزینه ها یا انتقال آنها به سال های بعد به طوری که باعث شود شرکت در طول چند سال مالی متوالی از روند سود بدون تغییرات عمده برخوردار باشد .

<sup>1</sup> operating cash flows

<sup>1</sup> Modified Jones Model

پاداش هیئت مدیره : این هزینه اختیاری به مقدار زیادی بستگی به سطح سود دارد و به عنوان متغیر بااهمیت برای ارزیابی اثربخشی مدل هموارسازی استفاده می شود. از آن جایی که میزان پاداش با مقدار سود بستگی مستقیم دارد ، در مواقعی که سود شرکت بسیار بالاست پرداخت پاداش به مقدار زیاد سبب تعدیل سود می گردد و در زمانی که سطح سود پایین است میزان پاداش نیز حداقل خواهد بود. بنابراین هزینه پاداش به عنوان متغیری با اهمیت جهت هموارسازی سود تلقی می گردد .

### ساختار کلی تحقیق

فصل اول به بیان موضوع و اهمیت پژوهش اختصاص یافت . ضمناً فرضیه ها و تعاریف عملیاتی برخی از واژه های به کار گرفته شده عنوان شد .

در فصل دوم ضمن بیان مقدمه ، مفاهیم بنیادی نظری پژوهش تشریح و تعیین می شود . در ادامه با مروری بر ادبیات تحقیق ، پژوهش های متعددی که پیرامون موضوع تحقیق صورت گرفته است ، مورد بررسی قرار می گیرد .

فصل سوم به تشریح روش انجام پژوهش می پردازد . ابتدا به بیان فرضیه ها و متغیرهای پژوهش پرداخته و سپس قلمرو پژوهش ، جامعه و نمونه آماری تشریح می گردد و در نهایت روش گردآوری اطلاعات ، تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها ارائه می گردد .

در فصل چهارم ، به چگونگی طبقه بندی اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها از طریق به کارگیری روش ها و مدل های آماری مورد استفاده اشاره می شود و در نهایت آزمون فرضیه ها ارائه می گردد.

فصل پنجم به ارائه نتیجه گیری ، محدودیت های پژوهش و پیشنهادات برای پژوهش های آتی خواهد پرداخت .

# فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه

تحقیق

- مقدمه

بخش اول - مبانی نظری

- تعاریف هموارسازی سود
- مدیریت سود و هموارسازی سود
- اهداف هموارسازی سود
- انواع هموارسازی سود
- متغیرهای هموارسازی سود
- انگیزش برای هموارسازی سود
- ابزارها و روش های هموارسازی سود
- عوامل موثر بر هموارسازی سود
- رویکردهای مختلف مطالعه هموارسازی سود
- کشف مدیریت سود
- طرح های پاداش
- پاداش مدیران و هموارسازی سود
- اهمیت جریان های نقدی
- جریان های نقدی حاصل از عملیات
- اهمیت جریان های نقدی حاصل از عملیات
- اهداف مورد انتظار از اطلاعات جریان های نقدی

- نوسان پذیری جریان وجوه نقد
- مدیریت سود و وجه نقد حاصل از عملیات

بخش دوم : پیشینه تحقیق

- پژوهش های انجام شده در ایران
- پژوهش های انجام شده در خارج از ایران
- خلاصه پیشینه تحقیق
- خلاصه فصل

## مقدمه

افزایش اطلاعات مدیران از روشها و دستورالعمل های حسابداری همگام با قدرت گرفتن بازارهای سرمایه، و همچنین انعطاف پذیری اصول پذیرفته شده حسابداری، باعث ایجاد پدیده ایی نو ظهور به عنوان هموارسازی سود شده است. هموار سازی سود رفتار آگاهانه ایی است، که به منظور کاهش نوسانات دوره ای سود انجام می شود. پژوهشگران عموماً بر این باورند که مدیران به منظور نشان دادن تصویری ثابت از روند سودآوری در چارچوب منعطف اصول و روشهای حسابداری، به هموارسازی سود دست می زنند. موضوعات هموارسازی عمدتاً بر اساس اهداف و انگیزه های هموارسازی، ابزار و روشهای هموار سازی و عوامل مؤثر بر هموارسازی طبقه بندی می شود، همچنین رفتار هموارسازی سود را می توان از لحاظ انگیزشی به سه دلیل عمده تقسیم کرد: افزایش رفاه مدیریت، افزایش رفاه سهامداران، و تسهیل قابلیت پیش بینی سود. به لحاظ نظری و از دیدگاه تاثیر پذیری بازار، مقوله هموارسازی سود در فضای چالشی فرضیه های رقیب قرار می گیرد. از طرفی هموارسازی از لحاظ انگیزشی مقوله ایی کیفی است، که عوامل متعددی آن را متاثر می سازد از این رو علی رغم تحقیقات گسترده ای که در رابطه با آزمون فرضیه های رقیب انجام گرفته، هنوز ارتباط بین ارقام حسابداری و عوامل تحریک کننده هموارسازی با ابهاماتی مواجه است و شاید به همین دلیل امکان ارائه یک چارچوب نظری برای هموارسازی سود میسر نشده و تحقیقات در این زمینه بیشتر در ابعاد تجربی گسترش یافته است.

## بخش اول - مبانی نظری

### تعاریف هموارسازی سود

سود گزارش شده در شرکت ها همواره به عنوان یکی از معیارهای تصمیم گیری به حساب می آید و از اهمیت ویژه ای برخوردار است . سود گزارش شده در صورتهای مالی به عنوان یکی از مهم ترین معیارهای ارزیابی عملکرد و تعیین ارزش بنگاه اقتصادی تلقی می گردد که همواره مورد استفاده طیف وسیعی از استفاده کنندگان نظیر سهامداران ، سرمایه گذاران ، کارگزاران بورس و ... قرار می گیرد. از آنجا که محاسبه سود بنگاه اقتصادی متأثر از روش های برآوردی حسابداری است و تهیه صورتهای مالی به عهده مدیریت واحد تجاری می باشد ممکن است بنا به دلایل مختلف ، مدیریت اقدام به هموارسازی سود نماید . ( محمدی ، ۱۳۸۵)

تعاریف متعددی از هموارسازی سود توسط صاحب نظران و محققین حسابداری ارائه شده است که اکثر آنها از نظر مفهومی مشابهت دارند . برخی از این تعاریف عبارتند از :

هموارسازی سود به عنوان روشی که توسط مدیریت جهت کاهش تغییرات جریان ارقام سود گزارش شده در حول سود مورد نظر پیش بینی شده استفاده می گردد ، تعریف می شود . ( کاوچ ، ۱۹۸۰)<sup>۱</sup>

آشاری (۱۹۹۴) هموارسازی سود را به عنوان اعمال و اقدامات ارادی و آگاهانه ای تعریف می کند که توسط مدیریت جهت کاهش تغییرات سود با استفاده از تکنیک های مشخص حسابداری انجام می پذیرد .

موزس (۱۹۸۷)<sup>۱</sup> هموارسازی سود را این چنین بیان می کند :

" تلاش برای کاستن از نوسانات به وجود آمده در سود گزارش شده " .

<sup>۱</sup> Bruce Koch

<sup>۱</sup> Moses

موزس بر این باور است که هموارسازی سود با به کارگیری « فرآیند هموارسازی سود » برای کاهش اختلاف بین سود گزارش شده و سود مورد انتظار شرکت انجام می گیرد .

ریاحی بلکویی (۱۳۸۱) نیز این تعریف را از هموارسازی سود ابراز می کند :

« کاستن آگاهانه از نوسان پذیری سود و رساندن آن به سطحی که برای یک شرکت عادی می باشد. با توجه به تعاریفی که از هموارسازی سود ارائه گردید این گونه به نظر می رسد که پژوهشگران در حیطه حسابداری ، هنوز به یک تعریف جامع از هموارسازی سود دست نیافته اند و این تشابه ناشی از انواع مختلف سودهای هموار و نیز روش های گوناگون هموارسازی سود می باشد .

#### مدیریت سود و هموارسازی سود

یکی از اهداف دستکاری سود ، هموارسازی سود می باشد . هموارسازی سود همان گونه که در بالا اشاره شد نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای خاصی در حسابداری ، جهت کاستن از نوسانات سود انجام می گیرد . ( نوروش ، ۱۳۸۴ )

کوشینگ (۱۹۶۹)<sup>۲</sup> معتقد است تغییرات حسابداری از عوامل هموارسازی سود است، لذا هموارسازی سود را می توان بخشی از مدیریت سود دانست . به دلیل انعطاف در انتخاب روش های حسابداری ، مدیریت می تواند به صورت سیستماتیک روی سود گزارش شده از سالی به سال دیگر جهت هموارسازی سود تاثیر گذارد . لذا هموارسازی سود نوسانات سال به سال سود را با انتقال سود از سال های اوج به سال های نزول تعدیل می کند . ( وکیلی فرد و علامه حائری ، ۱۳۸۰ )

مدیریت سود که اصطلاح دیگری برای توصیف رفتار هموارسازی سود است ، هنگامی روی می دهد که مدیران از قضاوت و صلاحدید خود در گزارشگری مالی و انجام معاملات استفاده

<sup>۲</sup> Cushing



نمایند. به طوری که از طریق تغییر در گزارش های مالی باعث گمراهی و فریب مالکین در باره زیر بنای عملکرد اقتصادی در شرکت شوند و نتایج قراردادها را متاثر سازند. ( اشراقی، ۱۳۸۴ )  
مدیریت سود توسط شیپر (۱۹۸۹)<sup>۱</sup> به صورت زیر تعریف شده است :

مداخله عمدی در فرایند گزارشگری مالی خارجی، به قصد تحصیل یک نفع خصوصی ( و نه، مثلا، فقط تسهیل بی طرف عمل فرایند مزبور).

هیلی و والن (۱۹۹۹)<sup>۲</sup> تعریف مقابل را از مدیریت سود ارائه کرده اند: "مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می کند، و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی اقتصادی و یا برای تاثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام می دهد."

جونز و شارما ( ۲۰۰۱ )<sup>۳</sup> تعریف جامعی از مدیریت سود ارائه نموده اند. به عقیده آنها مدیریت سود (دستکاری سود) زمانی اتفاق می افتد که مدیران با استفاده از قضاوت (تشخیص) در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی ذینفعان (شامل سهامداران، اعتبار دهندگان، کارکنان، دولت، سرمایه گذاران و...) درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا تحت تاثیر قرار دادن نتایج قراردادی که بر ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می کنند.

اسکات (۱۹۹۷)<sup>۱</sup> به مدیریت سود به عنوان اختیار شرکت در انتخاب سیاست های حسابداری برای دستیابی به برخی اهداف خاص مدیر اشاره می کند.

<sup>۱</sup> Schipper

<sup>۲</sup> Healy & Wahlan

<sup>۳</sup> Jones & Shharma

<sup>۱</sup> Scott

فرن و همکاران (۱۹۹۴)<sup>۲</sup> دستکاری سود توسط مدیریت به منظور دستیابی به قسمتی از پیش داوری های مربوط به سود مورد انتظار (مانند پیش بینی های تحلیل گران ، برآوردهای قبلی مدیریت و یا کاهش پراکندگی سودها) را به عنوان مدیریت سود ، تعریف می کنند .

### اهداف هموارسازی

اهداف هموارسازی ، اعدادی هستند که مجموعه آنها به عنوان هدف هموارسازی فرض می شوند . آنها نشانگر متغیرهایی هستند که طی زمان کاهش یافته است . (کامین و رنون ، ۱۹۷۸)<sup>۳</sup> ایمهاف (۱۹۸۱)<sup>۴</sup> هدف از تلاش های هموارسازی سود توسط مدیریت را از شرکتی به شرکت دیگر متغیر می دانست . تحقیقات عملی مرتبط با هموارسازی سود نشان می دهد که مفهوم سود به طرق مختلف تعبیر می شود . ایمهاف نشان داد ، از آنجائیکه هیچکدام از تحقیقات هموارسازی سود ، بیش از یک فرم از سود را مدنظر قرار نمی دادند و هم چنین در برخی از تحقیقات مشخص نیست کدام شکل از سود مورد استفاده قرار گرفته است ، غیر ممکن است که بتوانیم نتیجه گیری کنیم چگونه هر یک از شکل های سود ، بر نتایج تحقیق تاثیر می گذارند . از این رو مطالعات متعدد انجام شده بر روی هموارسازی سود ، بیش از یک هدف هموارسازی را در بر می گیرند .

انتخاب اهداف هموارسازی موضوعی است که مورد بحث می باشد . برای مثال ، بارنیه ، رنون و سادان حدس می زدند که استفاده کنندگان از صورتهای مالی ، بر سود اولیه هر سهم تمرکز دارند . به همین دلیل باید هدف هموارسازی باشد . کامین و رنون که علاقه خاصی به هموارسازی واقعی داشتند ، عقیده داشتند که سود عملیاتی ، در درجه اول بر جریان نقدی

<sup>۲</sup> Fern , Brown & Dickey

<sup>۳</sup> Kamin & Renon

<sup>۴</sup> Imhoff

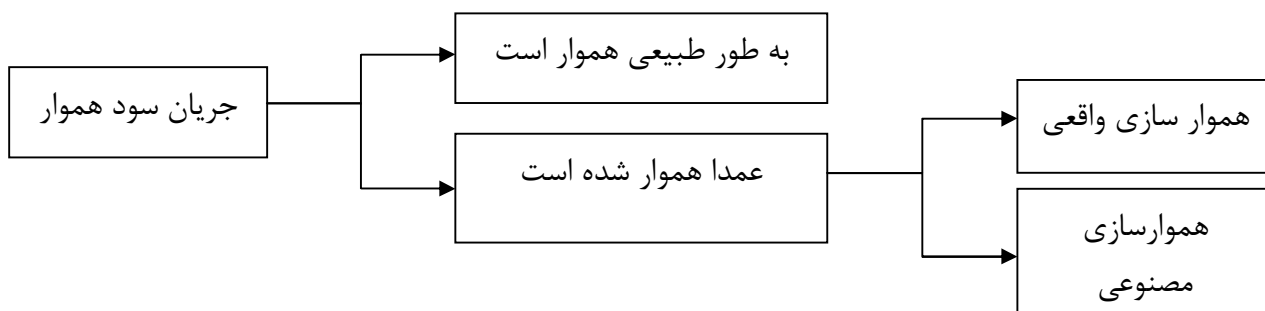
ورودی و خروجی تاثیر می گذارد که از دید هموارسازی واقعی مهمتر است تا هموارسازی حسابداری .

میچلسون ، جردن - واگنر و وتن (۱۹۹۵)<sup>۱</sup> سود عملیاتی بعد از استهلاک ، سود قبل از مالیات ، سود قبل از ارقام فوق العاده و سود خالص را به عنوان اهداف هموارسازی در نظر گرفته اند .

### انواع هموارسازی سود

شرکتها برای پاسخگویی به عوامل محیطی غالباً از یک یا چند نوع هموارسازی استفاده می نمایند که به تعریف هر یک از انواع آنها پرداخته می شود :

ایکل (۱۹۸۱) معتقد است : یک جریان سود ، هموار یا به طور طبیعی هموار است و یا عمداً هموار شده است . در حالت اخیر ، هموارسازی می تواند واقعی یا مصنوعی باشد . این روابط در نمودار زیر نشان داده شده است :



سود هموار طبیعی : سود هموار طبیعی به نوعی از جریان های سود اطلاق می شود که از فرآیند های عملیاتی ذاتا هموار به دست می آید . (ایکل ، ۱۹۸۱)<sup>۱</sup>

یعنی ، اینگونه هموارسازی به طور طبیعی در فرآیند سودآوری شرکت انجام می گیرد .

<sup>۱</sup> Michelson , Jordan – Wagner , Wootan

<sup>۱</sup> Echel

در مقابل هموارسازی طبیعی سود ، هموارسازی عمدی سود قرار دارد که در تعریف آن می توان گفت : نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای خاصی جهت کاستن از نوسانات سود انجام می گیرد و به نوبه خود در دو طبقه واقعی و مصنوعی جای می گیرد.

هموارسازی واقعی : این نوع از هموارسازی سود ، ناشی از برخی تصمیم های مدیریتی است که به منظور کنترل و تاثیر گذاری بر روی رویدادها و وقایع اقتصادی طراحی می شود . هموارسازی واقعی کوششی است در جهت واکنش به تغییرات شرایط اقتصادی توسط مدیریت شرکت .

هموارسازی مصنوعی : هموار سازی مصنوعی ( ساختگی ) به تلاش های سنجیده و از روی برنامه ای اطلاق می شود که به طور مصنوعی تغییر پذیری جریان سود را کاهش می دهد . (ایمهاف ، ۱۹۸۱)

این بدان معنی است که این اقدام ، تغییرات سود را به طور ساختگی افزایش و یا کاهش می دهد . هموارسازی مصنوعی نوعی دستکاری حسابداری است . در بیان تفاوت بین هموارسازی واقعی و مصنوعی ، هرروتیز (۱۹۹۷) اظهار می دارد که معمولا تنها هموارسازی واقعی است که جریان نقدی شرکت را متاثر می سازد . در صورتی که هموارسازی مصنوعی ناشی از یک رویداد اقتصادی نبوده و تاثیری بر جریان نقدی ندارد و صرفا موجب جابجایی هزینه ها و درآمدها بین دوره های مالی می شود .

در بیشتر تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در زمینه هموارسازی سود ، کانون اصلی بحث ، صریحا یا تلویحا هموارسازی مصنوعی بوده است و مضمون مشترک در تعاریف ارائه شده توسط محققین هموارسازی نیز ، تاکید بر کاهش نوسان های دوره ای ارقام سودهای گزارش شده در چارچوب اصول و روش های متداول حسابداری است .